پرسش‌هایی بر پاسخ پیرامون
چالش‌های مدیریت در کتابخانه‌ها

نظام دانشگاهی، به‌معنای نوین آن، در ایران پیشنهاد ندارد. از اواخر دهه
۱۳۱۰ و بعد از تأسیس دانشگاه تهران، به‌منظور تختین دانشگاه نوین در ایران،
به‌طرح دانشگاه‌های دیگری مانند دانشگاه تهران و دانشگاه مشهد و دانشگاه
اصفهان آغاز بکار کردند. در موج دیگر تأسیس دانشگاه‌ها در ایران یکی از دهه
۱۳۴۰ و دیگری از دهه ۱۳۱۰ آغاز شد و البته آن تعداد دانشگاه‌های کشور
افزایش یافته. اکثریت به حوزه علوم پزشکی و علوم پزشکی پیش از ۱۰۰ دانشگاه
وجود دارد. افزون بر آنها تعداد قابل توجهی از مراکز دانشگاه آزاد و دانشگاه
پیام و موسسه‌ای آموزش عالی اگر کرده‌اند که روی هر فهرست جامعه
بزرگی را تشکیل می‌دهند.

دبیری است هر یک از این دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی درای
بربیتی دانشکده‌های گوناگون هستند و با به‌دیده امکان که هر یک
از این دانشگاه‌ها با دارای یک کتابخانه مانند باشد. به‌جز دانشکده‌های
دارای پیشنهاد برخوردار نیستند و یا در اصل کتابخانه‌ای یا دارن. با توجه به
نگارنده که از دانشکده و موسسه‌های آموزش عالی در جهان
سال‌های گذشته صورت گرفته است که این امر از این مراکز
توهم کافی و برای پیشنهاد کتابخانه‌ها را در دانشگاه‌ها و یا
آن کتابخانه‌ها را در دانشگاه‌ها و یا
کتابخانه‌های آنها با استانداردها و شاخص‌های موجود کتابخانه‌های دانشگاهی بسیار
زیاد است. لذا زیادی برای این وضعیت لقب‌ماند وجود دارد که از گستره این
کتابخانه‌های است. اما نکته مهم نگاه مدیریتی ضعیف به کتابخانه‌ها در این
مراکز است.
به‌نظر می‌رسد که یکی از دلایل نگاه مدیریتی ضعیف به کتابخانه‌ها این است که خود مدیران کتابخانه‌ها، در زمانی که دانشجو بوده‌اند به کتابخانه‌های خود دسترسی نداشته‌اند و از این رو خدمات باستانی را دریافت نکرده‌اند. این امر می‌تواند تأثیر منفی بر دیدگاه آنان نسبت به همه کتابخانه‌ها داشته باشد. بر همین اساس، آنها ممکن است این امتیازات لازم همچنین برای انسان‌های متخصص، منابع علمی کامی، تجهیزات و ساختمان مربوط به کتابخانه‌ها تأمین کنند. همچنین، آنها ممکن است این امتیازات در بعضی از اعضای هیئت علمی و کارکنان قوی برای مدیریت کتابخانه‌ها استفاده کنند. تجربه آنها، کتابخانه‌ها در برخی مؤسسات آموزش عالی از وضعیت استفایی برخوردار هستند و این وضعیت اثر بسیار منفی بر دیدگاه جامعه دانشگاهی برخوردها و وضعیت استفایی گذاشته است.

در حالی که به‌نظر می‌رسد این وضعیت در شرایط کنونی یا به‌جا می‌باشد، این گونه نشده است. در گذشته، به‌دلیل نبود دانش آموزیت و متخصص کتابداری در ایران، مدیران کتابخانه‌ها بنا بر زمانی از گریزه به سرمایه‌گذاری می‌شدند. آنها دانش متخصص و تجربه‌ای کافی در پای تیمی خود را به‌جای خود گذاشتند و به‌نظر برخی از نتایج می‌توانستند کتابخانه‌های کارآمد را برای خدمات به جامعه دائمی بوجود ارائه دهند. اکنون با توجه به تعداد قابل توجهی از گروه‌های آموزش کتابداری و اطلاع رسانی در ایران و وجود تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان دانشجویی و ارشد، انتظار می‌رود که روش‌های مدیریت کتابخانه‌ها تجربه شود و این وضعیت به‌طور کلی به‌نظر می‌رسد که هنوز همان یافته‌های محدود درباره کتابخانه‌ها در دهه مدیران دانش‌آموختگان و مؤسسات آموزش عالی خانه دارد. چنین رویکردی در برابر فلسفه آموزش عالی و دانش‌های متخصص است. جرایز درخواستی که داشته‌اند آموزش کتابداری و اطلاع رسانی زیادی اختصاص و حتى واخوانده مدیریتی در گذشته‌های این پیامدهای به‌طور کارآمدی نجات می‌کرد ولی در کتابخانه‌های مشابه، همچنان نادیده گرفته می‌شدند؟ چرا؟ چندانی که چنین کیفیت کار مدیران کتابداری با مدیران مختلف کتابداری مورد توجه قرار نگرفته؟ چرا از کتابداران شایع درهای این ناگفتهای نظر سنجی‌های نمی‌شود؟ چرا؟ چرا تغییر

پیامی مدیران غیر کتابدار که به‌طور معمول از اعضای هیئت علمی هستند و دوره‌های کوتاه را در یه مدیریت کتابخانه‌های ویرایش کرده این وضعیت وتغییر این وضعیت، راهنمایی و افزایشی شد؟

این پرسش‌ها سال‌ها سالهای است که به‌جهت جامعه کتابداری و اطلاع رسانی ایران را به‌صورت مشغول شد و برای آنها اینی شامل ضروریتی بود.

رحمت‌الله فتاحی
سردری